

در زمان ناموس دوم که پادشاه است می باید بود
 در دفع کلام حقانیت اعلام اشارتی باین معنی است
 آنجا که میفرماید قول تعالی وانزلنا معکم الكتاب والذکر
 لیتقوا الناس بالقسط وانزلنا الحدید فیه بآس شدید
 و منافع للناس چون کتاب اشارت است بشرف و میزان
 بآنچه معیار معادیر است یا در آن معرفت نسبت امور تغایر
 بعد یکر شود و دنیا در آن داخل است و حدیث شریف که
 در قبضه اقتدار پادشاه کینه کداری است کردار باشد
 و بر منوال این سخنان جایز باشد اول جایز اعظم که
 ناموس الهی را اطاعت نماید و او را کافر و فاسق نماید
 دوم جایز ادعیه که پادشاه زمان را مطاوعت و متابعت
 کند و او را باغی و طغیانی گویند و سیم جایز اصغر که را بط
 که بعضی دنیا است نزد و زیاد از حق خود طلبد و او را فاجر
 و سارق خوانند و فساد آن دو جایز اعظم است است اخبار

سیم صبر کس از دایره انقیاد او امر و توانی شریفی است
 پرهیز آید بر اینست که اطاعت بچگونه از آن دو ناموس
 دیگر از چشمش نتوان داشت و همه ضایع از او متولد شوند
 و اگر از حیض فرمان پادشاه زمان بیرون رود و مقتضی نفس
 و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم از بر حق
 پادشاه حقیقی بیرون رخصت باشد و بر مفسد از توقع
 باشد و بر هر کس بقدر امکان دفع او واجب باشد
 ناقصان آثار عوالت و نامدار در کتب تاریخ و اخبار
 آورده اند که سلطان ملک شاه باغی در عهد خورشید اعظم بود
 نامدار بود و در آن روزگار نام تخت یار مالک و وزیر
 اقتدار او بود و کس کردن بجام اطاعت احکام او را
 پس نهاده و ابلق ایام تازیانه اردشیر اول را بن در او
 روز بیست و نهم ماه رمضان قطعه نیش بود از کزبایات
 نفرت شعار ساخت و مخالفان را کشته ترود در اسفند